نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و چهارم، شماره ۷۳، تابستان ۱۴۰۳

تحلیل عدم انطباق فضایی کار و سکونت در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران[1]

دریافت مقاله:۱۴۰۱/۰۷/۰۴ پذیرش نهایی:۱۴۰۳/۰۶/۲۹

صفحات: ۴۸۴-۵۰۹

تاج الدین کرمی[2]: استادیار، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی
Email: karamit@khu.ac.ir
سمیه تیموری: دکتری، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی
Email: std_teymori1395@khu.ac.ir

چکیده

یکی از نظریه‌هایی که فقر و نابرابری را پس از جنگ جهانی دوم و بازساخت شهری در آمریکا در دوگانگی حومه و شهر مرکزی موردمطالعه قرار داد، نظریه عدم انطباق فضایی است. به‌رغم نقش زمینه ناشی از نابرابری نژادی - قومی و تضاد حومه - شهر مرکزی در شکل‌گیری نظریه مذکور، شاخص‌های اصلی عدم انطباق فضایی بر نبود تناسب بین دستیابی به شغل با مزایای کافی برای دسترسی به مسکن قابل استطاعت و باکیفیت دلالت دارد. این به آن معناست که زمینه‌ها، ساختارها و فرایندهای نابرابری ساز از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت و نبود تناسب بین مزایای کار و دسترسی به مسکن فضاهای فقر را بازنمایی می‌کند. هدف تحقیق حاضرآشکارسازی عدم انطباق فضایی بین دو شاخص مذکور در مناطق کلان‌شهر تهران است. تحقیق حاضر به لحاظ هدف در زمره تحقیقات کاربردی و به لحاظ روش نیز از ماهیت توصیفی - تحلیلی برخوردار بوده است. داده‌های عمده موردنیاز شامل گروه‌های عمده شغلی و وضعیت مسکن در سرشماری‌های رسمی نفوس و مسکن بوده که با استفاده از توابع فضایی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. تحلیل یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین قشربندی شغلی و کیفیت سکونت در مناطق شهرداری تهران رابطه مستقیمی وجود دارد. به‌نحوی‌که کانون‌های تراکم اقشار فرودست و کارگری که از مشاغل با مزایای مناسبی محروم‌اند در گستره‌های مسکونی باکیفیت نامناسب و بافت‌های فرسوده شکل گرفته‌اند. بر این اساس در مناطق جنوبی تهران، عدم تناسب بیشتری بین دستیابی به کار مناسب و دسترسی به مسکن باکیفیت مشاهده می‌شود. درحالی‌که مناطق شمالی تهران از دستیابی به کار مناسب و دسترسی به مسکن باکیفیت تناسب بسیار بیشتری وجود دارد. نتیجه نهایی بیانگر آن است که دو شاخص اصلی موردبررسی، «تله‌های فضایی فقر» که کانون اصلی مسائل اجتماعی- فضایی در گستره‌های درون‌شهری هستند را به‌خوبی آشکار و بازنمایی می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: تله‌های فضایی فقر، عدم انطباق فضایی، عدم تناسب کار و سکونت، قشربندی شغلی و تهران.

۱- مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری با عنوان «تبیین عدم انطباق فضایی کار و سکونت در منطقه ۷ تهران» است که با حمایت مادی و معنوی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران در دانشگاه خوارزمی انجام شده است.

۲- نویسنده مسئول مکاتبات، karamit@khu.ac.ir

مقدمه

عدم انطباق فضایی[3]، نظریه‌ای در ارتباط باوجود بیکاری و فقر در ساختار اجتماعی ـ فضایی شهرها است (گوبیلون و سلود[4]،۲۰۱۴:۹۴). این نظریه ریشه در علوم اقتصادی و اجتماعی داشته و در زمره آن دسته از نظریه‌هایی طبقه‌بندی می‌شود که به تحلیل فقر، بیکاری و جدایی‌گزینی اجتماعی درون شهرها می‌پردازند (زوو و همکاران[5]،۲۰۱۳:۱؛ کین[6]،۱۹۹۲). این نظریه در متن تحولات شهری پس از جنگ جهانی دوم شکل می‌گیرد. نیمه دوم قرن بیستم و همگام با بازساخت شهرهای آمریکایی و متأثر از توسعه حمل‌ونقل، شکاف‌های نژادی و اجتماعی به حداکثر رسید. در این جریان، حومه‌های شهری با امکانات رفاهی بسیار گسترده شکل گرفت (هورنر و مامفورد[7]،۲۰۰۷). در روند مذکور، گروه‌های نژادی، اقشار فقیر و بیکار، تبعیض زیادی را متحمل شدند و به سمت محله‌هایی باکیفیت محیطی نامطلوب و جرم‌خیز رانده شدند. ازاین‌رو حومه‌نشینی تبدیل به سازوکاری فضایی برای تشدید تبعیض نژادی، نابرابری در بازار کار و مسکن و متعاقب آن شکل‌گیری الگوی دوقطبی غنی و فقیر شد (اسکویر و کوبرین[8]،۲۰۰۵:۴۷). این نظریه بیکاری و فقر را در ساختار شهرها به هم ارتباط می‌دهد و موقعیت‌های نابرابر ساکنان مناطق فقیر به دلیل عدم دسترسی اجتماعی و فیزیکی به مشاغل مناسب را در مرکز مباحث خود قرار داده و پیامدهای آن را در شکل‌گیری الگوهای مکانی محله‌های اختصاص‌یافته به اقشار اجتماعی فرودست را بررسی و تحلیل می‌کند (رافائل و استول[9]،۲۰۰۱:۹۹). با اینکه نظریه عدم انطباق فضایی اساساً و در ابتدا بر عدم دسترسی ناموزون اجتماعی و فیزیکی به محل کار و سکونت مناسب استوار بوده، اما پژوهشگران، تمرکز صرف بر سازوکارهای بازار را که منجر به بیکاری و کمبود درآمد می‌شوند، برای تحلیل این مسئله در شهرها کافی ندانسته‌اند، ازاین‌رو این موضوع در بستر فرایندهای اجتماعی (همچون تناقضات طبقاتی، قومی، نژادی و...) نیز موردتوجه قرارگرفته است. ازلحاظ زمانی این نظریه نخست در تحلیل ساخت‌یابی اجتماعی ـ اقتصادی حومه‌های شهری آمریکا (با ترکیب جمعیتی آمریکایی ـ آفریقایی) به کار گرفته‌شده که در جریان آن، سیاه‌پوستان نمی-توانستند به فرصت‌های شغلی برابر با سفیدپوستان دسترسی داشته باشند (گوبیلون و سلود[10]،۲۰۰۷:۳). لیکن در دهه ۱۹۶۰ این نظریه بسط داده شد، به‌نحوی‌که امروزه اعتباری فراتر از خاستگاه اولیه آن یافته است (گوبیلون و سلود[11]،۲۰۱۴:۹۳). به‌رغم وجود آزمون گسترده این نظریه در شهرهای آمریکای شمالی و اروپا، در مطالعه شهرهای جهان سوم کمتر به کار گرفته شده است (کیل روی[12]،۲۰۰۹:۱۰).

بدین‌سان، ظهور و بسط نظریه عدم انطباق فضایی و کاربست آن در متنی شهری شده و آمیخته با نابرابری‌های نژادی، اجتماعی، فقر، بستر توسعه فناوری و تحول در الگوی شهرنشینی در کانون اصلی سرمایه‌داری جهانی

3- Spatial Mismatch (SM)
4- Gobillon and Selod
5 - Zhou et.al
6 - Kain
7 - Horner and Mefford
8 -Squires and Kubrin
9- Raphael and Stoll
10 - Gobillon and Selod
11 - Gobillon and Selod
12- Kilroy

(ایالات‌متحده)، به وقوع پیوسته است (گیدنز،۱۳۸۴:۶۰۳). بااینکه شهری شدن به‌مثابه فرایندی جهانی، در نیمه دوم قرن بیستم میلادی به‌گونه‌ای پرشتاب و انفجارآمیز به کشورهای درحال‌توسعه سرایت کرده است، اما مسائل و مصائب شهری این کشورها اغلب با تأخیر در دهه‌های واپسین قرن بیستم آشکار شده است. شهرها در کشورهای جهان سوم، اغلب بر روی گسل‌های ناشی از تضاد بین جوامعِ در حال مدرن شدن و فرهنگ‌های سنتی، بین اقتصادهای فردگرا و جامعه‌گرا، بین مردم‌سالاری و اقتدارگرایی، بین جمعیت بومی و جریان ملی‌گرا، بین جریان‌های بومی و غرب‌گرا، بین فقر و ثروت و سایر دوگانگی‌ها واقع شده‌اند (بولنتس[13]،۲۰۰۱:۱۷۰). عدم انطباق فضایی کار و مسکن در محله‌های فقیرنشین را نیز می‌توان به‌مثابه نوعی دوگانگی و شکاف گسلی در ساختار شهرهای کشورهای درحال‌توسعه، موردتوجه قرار داد. با عنایت به اینکه کاربرد نظریه عدم انطباق فضایی در تحقیقات شهری ایران کمتر موردتوجه بوده است، نقاط عطف در پیشران‌های کلانِ عدم انطباق فضایی در شهرهای ایران را می‌توان به اصلاحات ارضی و راهبردهای تعدیل اقتصادی پس از جنگ عراق و ایران جستجو کرد (رهنمایی و همکاران،۱۳۹۵:۴۰). هجوم سیل‌آسای جمعیت در حال انقراض نظام ایلی، روستائیان و اقشار شهریِ جویای کار و رفاه بیشتر به‌سوی تهران و رشد طبیعی جمعیت این شهر از دهه ۱۳۳۰، زمین و مسکن با شدت هرچه‌تمام‌تر از ارزش مصرف فاصله گرفته و به حیطه ارزش مبادله وارد می‌شوند؛ به‌این‌ترتیب رانت ناشی از ارزش مبادلاتی زمین و مسکن در شهر تهران و سود ناشی از جابه‌جایی درآمدها در این بخش نیز به نیرویی عمده برای شکل‌گیری طبقات اجتماعی در این شهر تبدیل شده است (رئیس دانا،۱۳۸۱:۲۳۴-۲۳۳). از خیل ساکنان شهر تهران، فقط اقشار و گروه‌های اندکی در انتخاب محل سکونت خود و استفاده از امکانات و خدمات شهری از آزادی و توانمندی گسترده‌ای برخوردار بوده‌اند (حجتی و مضطرزاده،۱۳۸۷:۴۷-۴۰)؛ به‌این‌ترتیب، اسکان خانوارها در تهران، به‌شدت طبقاتی شده و بر پایه توان اقتصادی خانوار و منزلت اجتماعی آنان، محله‌هایی از شهر به سکونت هر یک از اقشار و گروه‌های اجتماعی اختصاص یافته است (رئیس دانا،۱۳۸۱:۲۳۴)، این خود آغاز قطبش و ناهمگونی پردامنه‌ای است که اغلب با عنوان قطبش شمال - جنوب تهران از آن یاد شده است. در پژوهش حاضر تلاش شده است با شناخت پدیده عدم انطباق فضایی گامی در راستای تقویت کاربست این نظریه در مطالعات شهری کشور، برداشته شود. در همین راستا تحقیق حاضر، پدیده عدم انطباق فضایی کار و سکونت در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران را در کانون توجه قرار داده است.

رواج اصطلاح عدم انطباق فضایی[14] به رساله دکتری جان کین[15] (۱۹۶۱) برمی‌گردد (کین[16]،۲۰۰۴:۷-۳۲). از نگاه فرهنگ لغت وبستر، کلمه عدم انطباق[17] توصیف‌کننده وضعیتی است که دو شخص یا دوشی تناسبی باهم نداشته و به‌صورت نامتعادل و نابرابر در کنار هم قرار می‌گیرند (وبستر[18]،۲۰۰۸:۷۶۶۸). ازاین‌رو عدم

13 - Bollens
14 - Spatial Mismatch
15 -John Kain
16 - Kain
17 - Mismatch
18 - Webster

انطباق فضایی به‌نوعی بر نبود تناسب فضایی بین دو یا چند دسته از ویژگی‌ها در گستره و ساختار فضایی مناطق و شهرها دلالت دارد.

پیشینه نظریه عدم انطباق فضایی به تصویب قوانین جیم کرو[۱۹] در بین سال‌های۱۸۷۶ و ۱۹۶۵ در ایالات‌متحده مربوط می‌شود. این قانون تحت عنوان «جدا، ولی مساوی»[۲۰]، از ۱۸۹۰ برای سیاه‌پوستان صادر شد و به جداسازی نژادی در همه تأسیسات عمومی ایالات جنوبی آمریکا، مشروعیت بخشید. تحقیقات اولیه موضوع عدم انطباق فضایی، توسط جان کین بین سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۸در دو شهر دیترویت و شیکاگو انجام شد. نتایج تحقیقات مذکور بیانگر جابه‌جایی مشاغل از نواحی مرکزی شهرها به حومه (در فاصله سال‌های۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰) و کاهش فرصت‌های شغلی آن‌ها در نواحی مرکزی و نیز ساکن شدن اقشار فقیر در این بخش از شهر بود. ازاین‌رو علاوه بر نابرابری و جدایی بین فقرای شهر مرکزی و اغنیای ساکن در حومه‌ها، جدایی‌گزینی اقشار فقیر در بخش مرکزی شهرها نیز شدت گرفت (اِل وود[۲۱]،۱۹۸۶:۱۴۹). اگرچه در ابتدا تحقیقات عدم انطباق فضایی موردتوجه اقتصاددانان بود، اما در اوایل دهه ۱۹۷۰، موردتوجه جامعه‌شناسانی چون ویلیام جولیس ویلسون[۲۲](۱۹۹۶،۱۹۸۷) و جان کساردا[۲۳] (۱۹۸۹،۱۹۸۸،۱۹۸۵) قرار گرفت. تأکید عمده این دسته از جامعه‌شناسان بر مسائل شهری مانند فقر، جرم و جنایت و همچنین بیکاری بود که در طول دهه ۱۹۸۰ گسترش یافتند (گوبیلون و سلود[۲۴]،۲۰۰۳:۲).

تحقیقات عدم انطباق فضایی در خاستگاه این نظریه یعنی ایالات‌متحده آمریکا، عمدتاً متأثر از تبعیض نژادی حاکم بر اجتماعات محلی آمریکایی- آفریقایی و بازنمایی آن در حوزه کار و مسکن بوده است (لئونارد[۲۵]،۱۹۸۷؛ اینلدفلت[۲۶]،۱۹۹۳)، اما برخی پژوهشگران تأکید بیش‌ازحد بر عامل نژاد را موجب تضعیف بنیان نظری فرضیه عدم انطباق فضایی می‌دانند و رابطه فضا با نبود، یا کمبود مهارت را در اولویت قرار می‌دهند. بررسی مطالعات تجربی بر روی عدم انطباق فضایی توسط بودر و پرلی[۲۷] (۱۹۹۹)، ایم وگلاک[۲۸] (۱۹۹۸)، مک کوئید[۲۹] (۲۰۰۶)، اونگ و بلومنبرگ[۳۰] (۱۹۹۸) بیانگر تأکید آن‌ها بر روی فضا و نبود تناسب بین سطح مهارتِ بخشِ عمده کارگران سیاه-پوست با کارهای نیازمند به تخصص است (کوکی و شای وی[۳۱]،۱۹۹۱؛ هوستن[۳۲]،۲۰۰۵). از اواسط دهه۱۹۸۰ نیز مطالعات زیادی برای آزمون فرضیه عدم انطباق فضایی صورت گرفت که بر اهمیت فضا در شکل‌گیری بازار کار شهری و تأثیر عوامل مؤثر بر آن تأکید شده است.

19- Jim Crow laws
20 -Separate but Equal
21- Ellwood
22 - William Julius Wilson
23 -William Julius Wilson and John Kasarda
24- Gobillon and Selod
25- Leonard
26- Ihlanfeldt
27 - Bauder and Perle
28 - Immwegluck
29 - McQuaid
30 - Ong and Blumenberg
31 - Cooke and Shumway
32 - Houston

گوبیلون و سلود[۳۳](۲۰۱۴) نیز در پژوهشی با عنوان «عدم انطباق، فقر و جمعیت‌های آسیب‌پذیر» به بررسی نقش عدم انطباق فضایی در فقر، بیکاری و ایجاد جمعیت‌های آسیب‌پذیر و دوری از فرصت‌های شغلی پرداخته‌اند. بر اساس استدلال آن‌ها، پدیده عدم انطباق نخست در شهرهای آمریکایی- آفریقایی رخ داده و سپس دامنه آن فراتر از آمریکا رفته است (گوبیلون و سلود[۳۴]،۲۰۱۴: ۵).

روف و گریگوروایا[۳۵] (۲۰۱۵) نیز در پژوهشی با عنوان «جیمز کرو و فرضیه عدم انطباق فضایی» نخست به بررسی تاریخچه عدم انطباق فضایی و جدایی‌گزینی محل کار و سکونت سیاه‌پوستان و سفیدپوستان در شهرهای آمریکایی- آفریقایی پرداختند. آن‌ها در این پژوهش به بررسی سازوکارهای عدم انطباق فضایی در دستیابی به شغل سیاه‌پوستان آمریکایی اشاره می‌کنند و همچنین کاهش اشتغال زنان سیاه‌پوست را در قوانین جیمز کروو گوشزد می‌کردند (روف و گریگوروایا[۳۶]،۲۰۱۵:۱).

تیز و همکاران[۳۷](۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «تکامل بین منطقه‌ای عدم انطباق فضایی در آمریکا: نقش مهارت‌ها و ساختار فضایی» به بررسی عدم انطباق فضایی بین بازارهای کار محلی پرداختند. این ارزیابی عدم انطباق بر اساس داده‌های سال۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ درباره سطح مهارت‌های متفاوت بود. نتایج آن‌ها نشان داد که عدم انطباق فضایی در دهه‌های گذشته افزایش یافته است که عمدتاً به اثرات ساختار فضایی مربوط می‌شود (تیز و همکاران[۳۸]،۲۰۱۸:۱).

در دهه‌های اخیر موضوع عدم انطباق فضایی در کشورهای درحال‌توسعه نیز موردتوجه بوده است، اما به‌عکس ایالات‌متحده، عدم انطباق فضایی در کشورهای درحال‌توسعه عمدتاً ریشه در ناموزونی و برون‌زایی توسعه داشته است. بسیاری از تحقیقات این حوزه معطوف به اقتصادهای نوظهور همچون چین، هند، برزیل و ... بوده است. در این راستا، بخش زیادی از تحقیقات عدم انطباق فضایی در شهرهای چین، به‌طور ویژه بر تحولات شهریِ پسااصلاحات[۳۹] که طی آن تغییرات چشم‌گیری در بازار مسکن و اشتغال رخ داد، متمرکز شده است (کان و ریسکین[۴۰]،۲۰۰۱:۳).

زوو و همکاران[۴۱](۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «عدم انطباق فضایی در پسااصلاحات در شهرهای چین (موردمطالعه: کارآفرینان دولتی در بازساخت گوانگ ژو)» به بررسی نابرابری‌های جغرافیایی- اجتماعی که منجر به عدم توجه به برخی از اقلیت‌ها در کشور چین شده، پرداختند. نتایج پژوهش مدنظر نشان داد که عدم انطباق فضایی منجر به فاصله‌های طولانی محل کار و زندگی می‌شود و این امر سبب جدایی‌گزینی اجتماعی- نژادی و درنتیجه عدم انطباق فضایی و ایجاد یک سیستم اقتصادی دوگانه‌ای می‌گردد (زوو و همکاران[۴۲]،۲۰۱۶:۱).

33 - Gobillon and Selod
34 -Gobillon and Selod
35-Ruef and Grigoryeva
36-Ruef and Grigoryeva
37-Theys etal
38-Theys etal
39-Post-Reform
40 - Kahn and Riskin
41-Zhou et al
42-Zhou et al

باروفی و حداد[43](۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «عدم انطباق فضایی؛ دستمزد و بیکاری در نواحی مادر شهری برزیل» به بررسی رابطه بین عدم انطباق فضایی و بازار کار در مادر شهرهای برزیل پرداختند. نتیجه این پژوهش نشان داد که عدم انطباق فضایی می‌تواند از دستیابی به شغل بهتر و دستمزد بالاتر جلوگیری کرده و میزان بیکاری در نواحی مادر شهری برزیل را افزایش داده است (باروفی و حداد[44]،۲۰۱۷:۱۷۵).

مینگ[45](۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «معضل اقتصاد چین: عدم انطباق فضایی» مطرح می‌کند که به دلیل اصلاحات و تعامل پیچیده با اقتصاد جهانی، چین دارای اهداف دوگانه رشد اقتصادی و تعادل منطقه‌ای شده است (مینگ[46]،۲۰۱۹:۱).

در تحقیقات شهری ایران، موضوع عدم انطباق فضایی نخست در مقاله دکترکرمی و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان «تبیین مفهومیِ زمینه‌های عدم انطباق فضایی کار و سکونت در فضاهای شهری با تأکید بر ایران» که به بررسی زمینه‌های عدم انطباق فضایی کار و سکونت به‌ویژه در شهرهای کشورهای درحال‌توسعه و ایران پرداختند، انجام شد. یافته‌های تحقیق حاضر، عدم انطباق فضایی در کلان‌ترین زمینه‌ها (تغییرات جهانی و فراگیر همچون بسط روابط فوردی - کینزی و پسافوردی - نئولیبرالی) و عینی‌ترین لایه آن (نبود تناسب بین دستیابی به کار مناسب و دسترسی به مسکن در ساختار و فضای شهری) کم‌وبیش دارای شاخصه‌های مشابه بود. بااین‌وجود، به لحاظ موقعیت جغرافیایی، کانون‌های عدم انطباق فضایی در کشورهای درحال‌توسعه به‌عکس آمریکا، بیشتر در حاشیه شهرها مستقرند. عدم انطباق فضایی در آمریکا، متأثر از متن نابرابر نژادی - قومی، توسعه فناوری حمل‌ونقل، حومه‌نشینی، استقرار صنایع و کارخانه‌ها بوده است، اما عدم انطباق فضایی در کشورهای درحال‌توسعه عمدتاً نیروی پیش برنده خود را از ساختار نابرابر اقتصاد سیاسی روابط بین‌الملل، اجرای راهبردهای توسعه برون‌زا در ساخت نابرابر اجتماعی - فضایی و گرفتاری در مصائب تله‌های توسعه («بی‌ثباتی سیاسی»، «خام‌فروشی منابع طبیعی»، «سرایت پیامدهای بی‌ثباتی همسایگان»، «حکمروایی ناکارآمد») و تله‌های فقر و فساد می‌گیرد (کرمی و همکاران،۱۴۰۰:۱).

در باب تحقیقات زیادی که درباره مسائل و حوزه‌های مرتبط با «عدم انطباق فضایی- مکانی» انجام شده است، می‌توان از مطالعات و پژوهش در حوزه‌های نابرابری‌ها و عدم تعادل‌های فضایی در مقیاس‌های ملی، منطقه‌ای و شهری نام برد؛ به‌طور مشخص اطهاری (۱۳۹۵) در گزارش گونه‌بندی و اولویت‌بندی محلات نیازمند به بازآفرینی و بازنمایی محله‌های غیررسمی در تهران، از بافت‌های فرسوده و کانون‌های اسکان غیررسمی این شهر به‌عنوان «تله‌های فضایی فقر» یاد کرده است. اطهاری استدلال می‌کند که تله‌های فضایی فقر مصداق مفهوم عدم انطباق فضایی در ادبیات اقتصاد شهری آمریکا است (اطهاری،۱۳۹۵:۲). تله‌های فضایی فقر به جاهایی اطلاق می‌شود که سرمایه جغرافیایی (شامل سرمایه‌های طبیعی، کالبدی، سیاسی، اجتماعی و انسانی) در آن‌ها اندک و شدت فقر بسیار باشد (برد[47]،۲۰۱۹:۲). مفهوم تله‌های فضایی فقر بر این ایده و استدلال استوار است که به‌مانند گرفتار شدن خانوارها در تله‌های فقر، مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی نیز می‌توانند در تله‌های فقر گرفتار شوند. کیل‌روی[48] در گزارش جهانی نابرابری فضایی درون‌شهری، شش سازوکار مهم در ایجاد «تله‌های فضایی فقر» را برجسته می‌کند. این موارد شامل

43- Barufi and Haddad
44- Barufi and Haddad
45-Ming
46-Ming
47 -Bird
48- Kilroy

«منزوی شدن از مراکز تمرکز مشاغل»، «نبود یا کمبود دسترسی به شبکه‌های اجتماعی در نواحی محروم»، «محدودیت‌های اقتصادی ناشی از جدایی‌گزینی اجتماعی، نژادی و قومی»، «محدودیت‌های ناشی از تمرکزهای فضایی جرم و خشونت»، «کاهش درآمد متقابل ناشی از تبادلات اقتصادی» و «نبود دسترسی ناشی از محرومیت‌های مکانی درون‌شهری» است (کیل‌روی[49]،۲۰۰۹:۲). برخلاف شهرهای آمریکایی که ایجاد تله‌های فضایی فقر متأثر از کمبود و ناکارآمدی حمل‌ونقل عمومی و تبعیض در دسترسی به مسکن در نواحی حومه‌ای معنا پیدا می‌کند، در ایران موضوع به‌عکس است و فقرا به سمت محله‌های حاشیه‌ای شهرها رانده می‌شوند. به‌علاوه در ایران به دلیل روندهای حاکم اقتصادی شامل صنعت زدایی، غلبه اقتصادی نامولد و افزایش مشاغل غیررسمی، نارسمیت در اقتصاد و استفاده از خدمات شهری افزایش یافته است. جمعیت کارگری (شاغلان صنعت، ساختمان و کارگران ساده) در گروه‌های عمده شغلی ساکن در بافت‌های فرسوده و اسکان غیررسمی، تأییدکننده این ادعا می‌باشد (اطهاری،۱۳۹۵: ۲).

بررسی‌های انجام شده در ادبیات موضوع در سال‌های اخیر نیز نشان می‌دهد، امروزه دامنه کاربرد مفهوم عدم انطباق فضایی/عدم تناسب فضایی، گسترش بیشتری یافته و نبود تناسب فضایی، عوامل دیگری مانند آموزش، کشاورزی، محیط‌زیست، علوم بیولوژیکی و ... را نیز در برگرفته است. از این جمله می‌توان به تحقیقات زانگ و همکاران[50](۲۰۲۰) درباره عدم تناسب تغییرات آب و هوایی و خطر انقراض سکونتگاه‌های جانوری در نواحی مختلف مناطق استوایی (زانگ و همکاران،[51]۲۰۲۰)، شرپکه و همکاران[52] (۲۰۱۹) در خصوص نبود انطباق فضایی بین عرضه و تقاضای خدمات اکوسیستمی (شرپکه و همکاران[53]،۲۰۱۹)، لوریلا و همکاران[54] (۲۰۱۹) در شناسایی و بررسی عدم انطباق فضایی بین عرضه و تقاضای خدمات اکوسیستمی باهدف رسیدن به یک نظام مدیریت پایدار در جزایر ایونی کشور یونان اشاره کرد (لوریلا و همکاران[55]،۲۰۱۹).

با بررسی جهانی ادبیات موضوع می‌توان گفت، اگرچه کانون ثقل تعاریف مربوط به عدم انطباق فضایی معطوف به برجسته‌سازی موضوع نابرابری نژادی و وضعیت کار و سکونت بین حومه‌های مرفه و محله‌های درون‌شهری ایالات‌متحده آمریکا بوده است، اما بسط مفهومی آن متأثر از وضعیت متغیرهای زمانی - فضایی می‌باشد. به اعتبار این استدلال، عدم انطباق فضایی در اغلب کشورهای جهان سوم و ازجمله ایران، می‌تواند بازتاب‌دهنده نیروی‌های نابرابری‌زا و ناموزونی‌آفرین اجتماعی - اقتصادی در مقیاس‌های فراملی، ملی و محلی باشد. بر این اساس اقشار اجتماعی که نفع بیشتری از انباشت و توسعه ناموزون می‌برند، شرایط بهتری ازنظر کار و فعالیت تجربه می‌کنند و در محله‌های مرفه‌تر شهری ساکن‌اند و وضعیت مطلوب‌تری نسبت به کسانی که در محلات فقیر زندگی می‌کنند، دارند؛ به‌عبارت‌دیگر دسترسی نامتوازن به فرصت‌های شغلی بهتر، زمینه‌ساز بازتولید نابرابری‌های اجتماعی و جدایی فضایی گروه‌های غنی و فقیر است. امروزه ناتوانی بازار آزاد و ضعف سیاست‌های دولت‌ها در تعادل بخشی به بازار کار

49 - Kilroy
50 -Zang etal
51 -Zang etal
52 - Schirpke etal
53 - Schirpke etal
54 - Lorilla etal
55 - Lorilla etal

و مسکن، بدمسکنی، نبود امکانات اقتصادی- اجتماعی و نبود دسترسی به مسکن مطلوب به آشکارترین نتیجه عدم انطباق فضایی تبدیل شده است. بر اساس ادبیات این تحقیق، برخی مطالعات انجام شده حاکی این شواهد است که اکثر مطالعات انجام نشده است و یا معطوف به سطح عینی موضوع عدم انطباق (دسترسی نامتناسب به کار و ناتوانی در تهیه مسکن باکیفیت) بوده و به «واقعیت‌ها و عوامل نهفته در شیوه تولید و روابط اجتماعی - اقتصادی حاکم»، توجه کمی شده است. ازاین‌رو پرداختن به این تحقیق در چهارچوب نظریه عدم انطباق فضایی کار و سکونت در مناطق ۲۲ گانه تهران می‌تواند نوآورانه تلقی شود.

منطقه موردمطالعه

شهر تهران، پایتخت ایران و در مرکز استان تهران با جمعیتی در حدود ۱۳,۲۶۷,۶۳۷ نفر (بر طبق سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵) و مساحتی بالغ بر ۷۵۱ کیلومترمربع در پهنه‌ای بین کوه و کویر و در دامنه شیب‌دار جنوبی البرز گسترده شده است. وجود دره‌های سرسبز، آب‌های جاری، کریدورهای هوای خنک کوهستانی و مناظر بدیع و دیگر موهبت‌های طبیعی، در دسترس بودن عناصر مرکب و متنوع دامنه جنوبی البرز، جایگاهی جذاب و هویت بخشی به این شهر بخشیده است (طرح جامع تهران،۱۳۸۶).

در کلان‌شهر تهران به دلیل جایگاه زمین و مسکن در چرخه ثانویه سرمایه‌گذاری و اقتصاد نامولد کشور، افزایش رانت ساخت‌وساز و ارزش مبادله‌ای زمین و مسکن، سهم مسکن در سبد هزینه خانوارها (به‌ویژه در تهران)، از دهه ۱۳۵۰ تاکنون به‌طور مداوم در حال افزایش بوده است. ازاین‌رو، اسکان خانوارها شهرهای بزرگ کشور و به‌ویژه در تهران، وابستگی شدیدی به توان مالی خانوارها پیدا کرده و موجبات دوام و قوام ساختار نابرابر مناطق مسکونی این شهرها را فراهم آورده است. در نتیجه هم‌افزایی تکاثری عوامل کلان تا خرد، اقشار با درآمد کمتر به مناطق و محله‌های روبه‌زوال و باکیفیت محیطی نامطلوب رانده می‌شوند. در چنین شرایطی، تولید و بازتولید کانون‌های عدم انطباق فضایی کار و سکونت و تله‌های فقر فضایی، دور از انتظار نیست (تیموری،۱۳۹۹:۲۶۱). یکی دیگر از سازوکارهای محلی شکل‌گیری کانون‌های عدم انطباق فضایی به‌مثابه تله‌های فضایی فقر را باید در تعارض رفتار جغرافیایی توسعه ناموزون سرزمینی جستجو کرد (تمرکز و تراکم در مقیاس ملی و واگرایی و تفرق در مقیاس محلی) است. به‌عکس خصلت تمرکزگرای روند توسعه ناموزون در مقیاس ملی، استقرار جمعیت و فعالیت در مقیاس محلی، بیانگر نوعی تفرق است. این تفرق خود را در قالب گسترش سریع فیزیکی[۵۶]، رشد انفجاری مادر شهر[۵۷] و پدیده پراکنده‌رویی شهری[۵۸]، نشان داده است. گسترش فیزیکی کلان‌شهرها ازیک‌طرف موجبات در برگرفتن بافت‌های منفصل سنتی و روستایی پیرامون را فراهم می‌کند و از طرف دیگر سبب جذب مهاجرت‌های توده‌وار و سکونت‌گزینی بسیاری از آن‌ها در حاشیه‌ها شهرها می‌شود. استمرار گسترش فیزیکی (رشد مجدد) پیکره کالبدی شهر، سبب یورش فضاهای کالبدی مجاور به درون هم و در نتیجه به درون کشیده شدن بافت‌های حاشیه‌ای اولیه و ایجاد الگوی دیگری از فضاهای ناهمگون جغرافیایی در درون کلان‌شهرها می‌شود. همچنین به دلیل استقرار مراکز کار و فعالیت در هسته مرکزی شهر و کاهش کیفیت محیطی بخش مرکزی شهر، شکل دیگری از جایگزینی جمعیت به نفع اقشار کم‌درآمد و فقرا در مرکز کلان‌شهرها نمایان می‌شود.

56- Rapid Physical Expansion
57- Explosive Growth of Metropolis
58- Urban Sprawl

ازآنجاکه روزبه‌روز بر ارزش زمین و ساختمان در درون کلان‌شهرها افزوده می‌شود، لذا جریان انتقال جمعیت و فعالیت به بیرون از کلان‌شهر شکل می‌گیرد؛ بنابراین کلان‌شهرها با پدیده نشت جمعیت فقیر (درون‌شهری) به فضاهای حاشیه‌ای و پیرامونی مواجه می‌شوند. این مسئله نیز به‌نوبه خود موجب تشدید جدایی‌گزینی و نابرابری اجتماعی و فضایی، گسترش سکونتگاه‌های خودرو و توسعه نامتوازن در محدوده پیرامون کلان‌شهرها می‌شود (نظریان،۱۳۸۸:۲۶-۲۴و سعید نیا،۱۳۷۵:۴۲-۴۰).

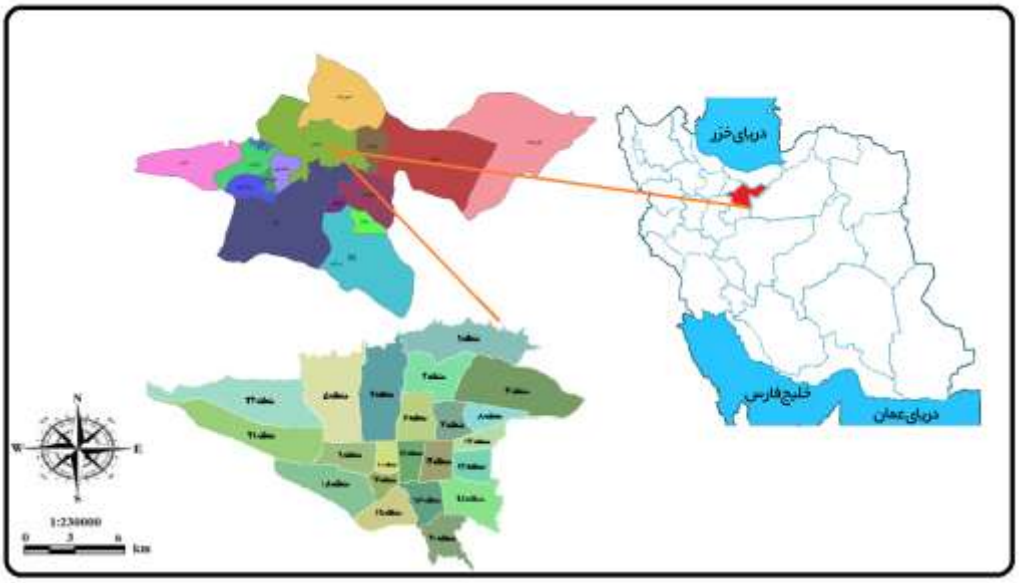

شکل (۱). محدوده موردمطالعه

داده و روش کار

تحقیق انجام شده حاضر به لحاظ هدف در زمره تحقیقات کاربردی قرار دارد. به‌علاوه به لحاظ روش نیز از ماهیت توصیفی - تحلیلی برخوردار بوده است. برای تحلیل عدم انطباق فضایی در سطح مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران از مجموعه شاخص‌های مربوط به دو عامل «گروه‌های عمده شغلی» و «زیربنای واحد مسکونی» استفاده شده است. داده‌های این بخش از تحلیل یافته‌های تحقیق مستخرج از آمار سرشماری رسمی نفوس و جمعیت در سطح مناطق شهرداری تهران و در سطح بلوک‌های شهری تهران است. باید توجه داشت که این آمار متکی به نتایج سرشماری رسمی نفوس و مسکن بوده و اصولاً این نوع سرشماری متکی به جمع‌آوری آمار از طریق واحد خانوار و واحد مسکونی است (مرکز آمار ایران،۱۳۹۵)؛ این به آن معنا است که آمارگیری مربوط به عرصه‌های سکونت و ویژگی‌های ساکنان واحدهای مسکونی است. به‌طور مشخص سنجش و اندازه‌گیری عدم انطباق فضایی با استفاده از داده‌های آماری دو مؤلفه زیر مورداستفاده قرار گرفته است:

«گروه‌های عمده شغلی»؛

«زیربنای واحد مسکونی».

آمار گروه‌های عمده شغلی ازجمله آمارهای مفیدی هستند که در تحلیل قشربندی اجتماعی و ساختار طبقاتی جامعه شهری می‌توانند مفید و اثرگذار باشند. این داده‌ها به زبان ساده بیان می‌کنند که سرپرستان خانوار در چه

گروه عمده شغلی قرار می‌گیرند، مطابق استانداردهای مورد تأیید مرکز آمار ایران که برگرفته از استانداردهای جهانی هستند، آمارهای مربوط به گروه‌های عمده شغلی در ۱۰ رده، جمع‌آوری می‌شوند. با توجه به اینکه رده دهم به آمار اظهارنشده و نامشخص اختصاص یافته، ۹ رده دیگر به شرح زیر طبقه‌بندی شده است:

اقشار و گروه‌های عمده شغلی فرادست؛ شامل گروه‌های «قانون‌گذاران، مقامات عالی‌رتبه و مدیران» و «متخصصان»؛

اقشار و گروه‌های عمده شغلی متوسط؛ شامل گروه‌های «تکنسین‌ها و دستیاران» و «کارمندان امور اداری و دفتری»؛

اقشار و گروه‌های عمده شغلی فرودست؛ شامل گروه‌های «کارکنان خدماتی و فروشندگان فروشگاه‌ها و بازارها»، «کارکنان ماهر کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری»، «صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوطه»، «متصدیان»؛

از معیارهای مهم دیگر در به تصویر کشیدن نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی در شهرها، دسترسی ساکنان شهر به واحد مسکونی با زیربنای مناسب است. بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران زیربنای واحد مسکونی در ۹ رده تفکیک می‌شود که رده نهم به اظهارنشده اختصاص یافته و رده اول تا هشتم زیربنای ۵۰ متر تا ۵۰۰ متر را مشخص می‌کنند. در تحقیق حاضر به‌منظور اندازه‌گیری عدم انطباق فضایی این طبقات در دودسته طبقه‌بندی شده‌اند:

«واحدهای مسکونی بزرگ و نسبتاً بزرگ، شامل واحدهای مسکونی با زیربنای بیشتر از ۱۰۰ مترمربع»؛

«واحدهای مسکونی کوچک و نسبتاً کوچک، شامل واحدهای مسکونی با زیربنای ۱۰۰ مترمربع و کمتر از آن».

تحلیل عدم انطباق فضایی با استفاده از رابطه (۱) و تحلیل‌های فضایی و آمار فضایی انجام شده است. در این رابطه Hi بیانگر ارزش‌های بالادست در یک ناحیه جغرافیایی و Li نیز نشان‌دهنده ارزش‌های پایین‌دست در همان منطقه است. به‌واقع تفاضل نسبت این دو به‌نوعی بیانگر تناسب یا عدم تناسب ارزش‌های مربوط به دو متغیر در یک محدوده یا ناحیه جغرافیایی هستند. چنانچه حاصل این رابطه مثبت باشد، بیانگر آن است که ناحیه یا محدوده جغرافیایی در قلمرو موردنظر از حیث متغیرهای مربوط به ارزش‌های بالا در وضعیت خوبی قرار دارد، اما اگر منفی باشد به این معنا است که ارزش‌های منفی در آن غلبه بیشتری دارد؛ به‌عبارت‌دیگر اگر حاصل این رابطه مثبت باشد به‌منزله انطباق و تناسب فضایی است و اگر حاصل آن منفی باشد، بیانگر عدم انطباق و عدم تناسب فضایی است.

$$KDI=\frac{1}{2}\sum I\left|\frac{HII}{H}-\frac{LOI}{LO}\right|$$

(Source: Campbell and Fernandez,2013:2647)

رابطه (۱). رابطه عدم انطباق فضایی

- KDI = شاخص مهارت؛
- HIi = نیروی کار با مهارت بالا؛
- H=کل نیروی کار با مهارت بالا؛
- Loi = نیروی کار با مهارت پایین؛
- Lo =کل نیروی کار با مهارت پایین.

در تحقیق حاضر نیز برای تعیین الگوهای پراکنش فضایی دو متغیر «گروه‌های عمده شغلی و دسترسی به مسکن با زیربنای مناسب» با استفاده از توابع فضایی در قالب نرم‌افزار ArcGIS انجام شده است.

نتایج

عدم انطباق فضایی گروه‌های عمده شغلی در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران

بررسی عدم انطباق فضایی گروه‌های عمده شغلی در سطح مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران شامل مراحل زیر بوده است:

دسته‌بندی آمار گروه‌های عمده شغلی در طبقه فرادست، متوسط و فرودست؛

محاسبه نسبت تفاضل گروه‌های عمده شغلی فرادست و فرودست (عدم انطباق فضایی)؛

تهیه نقشه پراکندگی گروه‌های عمده شغلی و عدم انطباق فضایی در سطح مناطق.

جدول (۱) و شکل‌های (۲، ۳، ۴، ۵، ۶) نتایج ا بررسی عدم انطباق فضایی گروه‌های عمده شغلی در سطح مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران را نشان می‌دهند.

جدول (۱). نتایج محاسبه عدم انطباق فضایی گروه‌های عمده شغلی فرادست، متوسط و فرودست در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران

ردیف	مناطق	فرادست		متوسط		فرودست		عدم انطباق	رتبه	درصد رتبه	درصد رتبه تجمعی
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد				
۱	منطقه ۲	۷۵۱۵۱	۴۳,۰	۳۶۵۳۹	۲۰,۹	۴۹۸۴۴	۲۸,۵	۰,۰۹۲	۱	۰,۴۰	۰,۴۰
۲	منطقه ۵	۸۵۸۷۸	۳۶,۲	۵۴۰۵۱	۲۲,۸	۷۹۰۰۴	۳۳,۳	۰,۰۸۶	۲	۰,۷۹	۱,۱۹
۳	منطقه ۱	۵۳۶۵۹	۴۲,۱	۲۰۱۸۰	۱۵,۸	۳۸۸۹۶	۳۰,۵	۰,۰۶۳	۳	۱,۱۹	۲,۳۷
۴	منطقه ۳	۴۱۱۸۹	۴۷,۱	۱۳۸۶۶	۱۵,۹	۲۵۹۹۷	۲۹,۷	۰,۰۵۱	۴	۱,۵۸	۳,۹۵
۵	منطقه ۶	۳۰۷۷۰	۴۶,۱	۱۲۷۱۴	۱۹,۰	۱۸۷۳۴	۲۸,۰	۰,۰۳۹	۵	۱,۹۸	۵,۹۳
۶	منطقه ۷	۲۸۱۸۷	۲۹,۸	۲۱۸۶۶	۲۳,۱	۳۸۷۳۲	۴۰,۹	۰,۰۱۷	۶	۲,۳۷	۸,۳۰
۷	منطقه ۸	۲۷۷۸۶	۲۴,۲	۲۷۴۴۸	۲۳,۹	۵۳۱۳۸	۴۶,۳	۰,۰۰۵	۷	۲,۷۷	۱۱,۰۷
۸	منطقه ۲۲	۸۷۴۳	۲۳,۱	۷۷۷۷	۲۰,۶	۱۶۲۳۷	۴۲,۹	۰,۰۰۲	۸	۳,۱۶	۱۴,۲۳
۹	منطقه ۲۱	۸۸۶۴	۱۹,۶	۱۰۴۹۱	۲۳,۲	۲۱۴۱۳	۴۷,۴	-۰,۰۰۲	۹	۳,۵۶	۱۷,۷۹
۱۰	منطقه ۱۱	۲۰۱۶۷	۲۲,۳	۱۹۶۵۴	۲۱,۷	۴۵۳۶۵	۵۰,۲	-۰,۰۰۲	۱۰	۳,۹۵	۲۱,۷۴
۱۱	منطقه ۱۳	۱۷۱۲۶	۲۰,۹	۱۷۲۵۰	۲۱,۰	۴۱۳۸۸	۵۰,۵	-۰,۰۰۴	۱۱	۴,۳۵	۲۶,۰۹
۱۲	منطقه ۹	۷۲۸۹	۱۵,۰	۹۳۲۵	۱۹,۲	۲۳۴۱۸	۴۸,۲	-۰,۰۰۷	۱۲	۴,۷۴	۳۰,۸۳
۱۳	منطقه ۱۰	۱۷۷۵۸	۱۹,۲	۲۲۸۵۹	۲۴,۸	۴۶۱۰۷	۵۰,۰	-۰,۰۰۷	۱۳	۵,۱۴	۳۵,۹۷
۱۴	منطقه ۴	۵۴۶۸۸	۲۱,۵	۴۶۳۴۱	۱۸,۲	۱۳۱۱۶۹	۵۱,۴	-۰,۰۱۳	۱۴	۵,۵۳	۴۱,۵۰
۱۵	منطقه ۱۲	۱۰۸۴۶	۱۵,۲	۱۱۸۳۰	۱۶,۶	۴۵۰۵۴	۶۳,۱	-۰,۰۱۹	۱۵	۵,۹۳	۴۷,۴۳
۱۶	منطقه ۲۰	۱۱۸۵۱	۱۲,۴	۱۷۵۲۵	۱۸,۴	۵۸۵۵۶	۶۱,۳	-۰,۰۲۸	۱۶	۶,۳۲	۵۳,۷۵
۱۷	منطقه	۵۶۱۶	۸,۱	۱۲۳۷۹	۱۷,۹	۴۷۹۶۷	۶۹,۳	-۰,۰۳۱	۱۷	۶,۷۲	۶۰,۴۷

										۱۷	
۶۷،۵۹	۷،۱۱	۱۸	−۰،۰۳۱	۵۳،۶	۷۸۶۹۶	۱۷،۵	۲۵۷۲۰	۱۳،۶	۱۹۹۹۸	منطقه ۱۴	۱۸
۷۵،۱۰	۷،۵۱	۱۹	−۰،۰۳۳	۶۸،۳	۵۵۹۵۶	۱۶،۹	۱۳۸۷۹	۹،۸	۸۰۱۵	منطقه ۱۶	۱۹
۸۳،۰۰	۷،۹۱	۲۰	−۰،۰۳۴	۷۴،۱	۵۱۰۷۰	۱۲،۹	۸۹۳۰	۷،۱	۴۹۱۷	منطقه ۱۹	۲۰
۹۱،۳۰	۸،۳۰	۲۱	−۰،۰۵۳	۷۱،۹	۸۰۷۴۱	۱۴،۴	۱۶۱۳۳	۷،۷	۸۶۲۱	منطقه ۱۸	۲۱
۱۰۰	۸،۷۰	۲۲	−۰،۰۸۹	۷۲،۶	۱۳۵۴۹۰	۱۳،۶	۲۵۳۷۴	۷،۷	۱۴۳۲۶	منطقه ۱۵	۲۲
۸۰۰		۲۵۳	۰،۰۰۰	۴۹،۶	۱۱۸۲۹۷۲	۴۱۸،۳	۴۵۲۱۳۱	۴۹۱،۷	۵۶۱۴۴۵	جمع	-

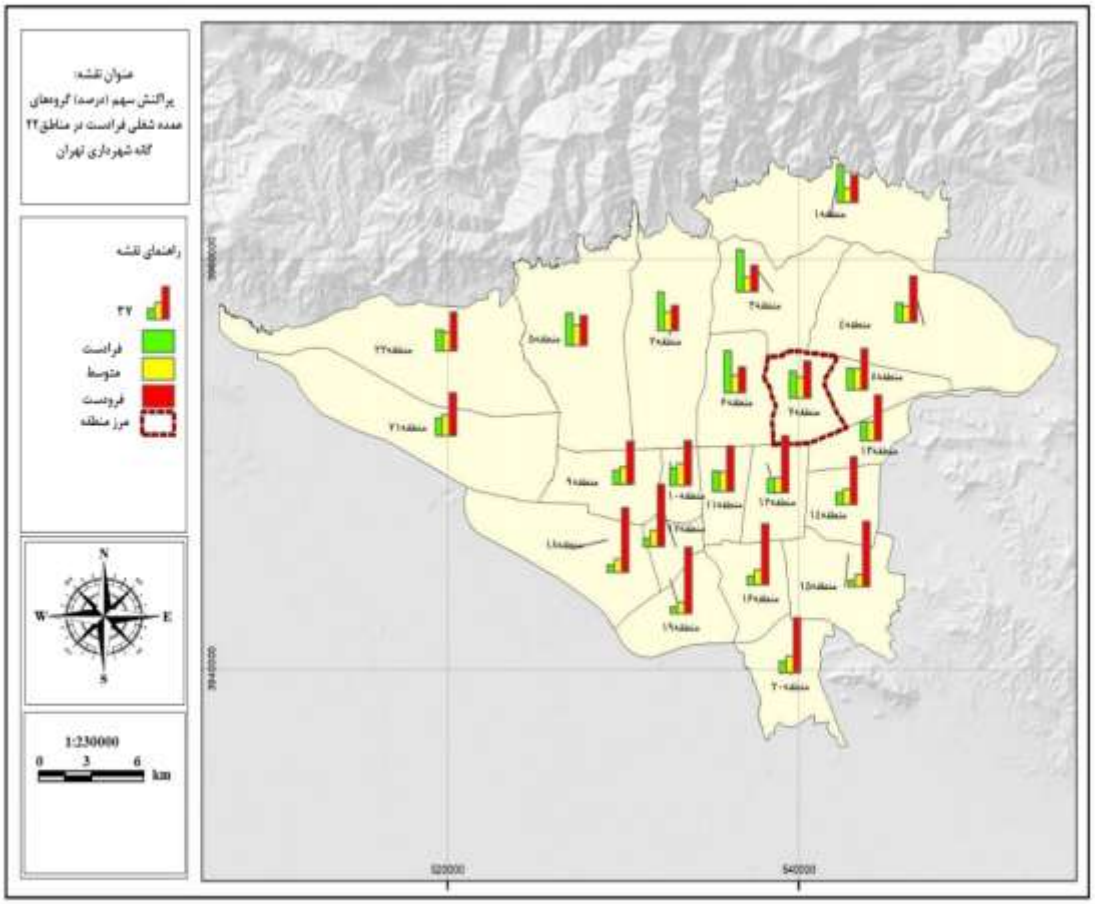

شکل (۲). پراکنش سهم (درصد) گروه‌های عمده شغلی فرادست در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران

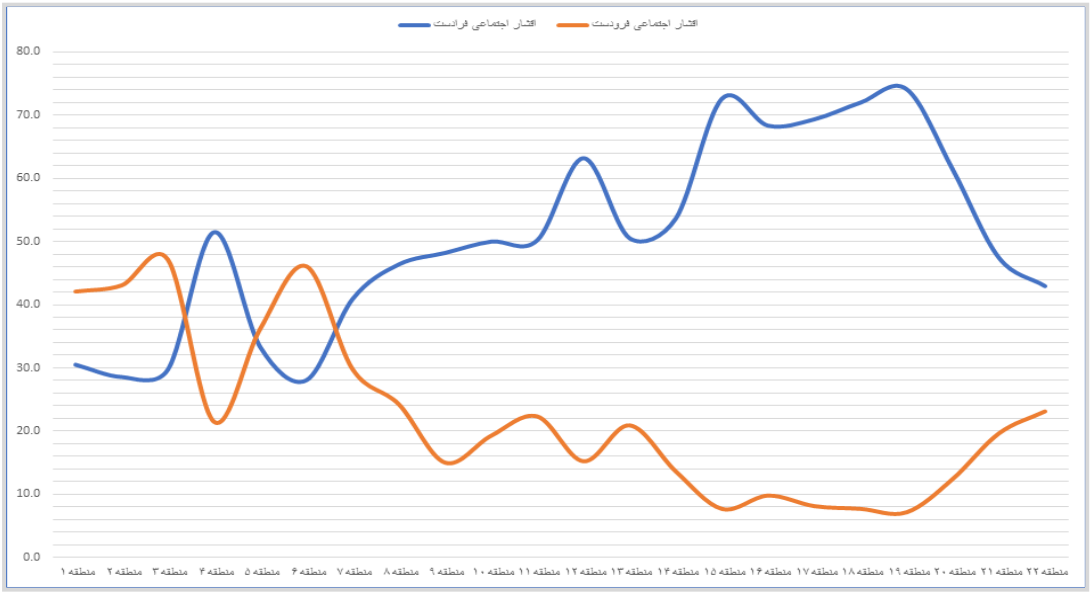

شکل (۳). پراکنش سهم (درصد) گروه‌های عمده شغلی فرادست در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران

شکل (۴). عدم انطباق فضایی گروه‌های عمده شغلی فرادست در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران

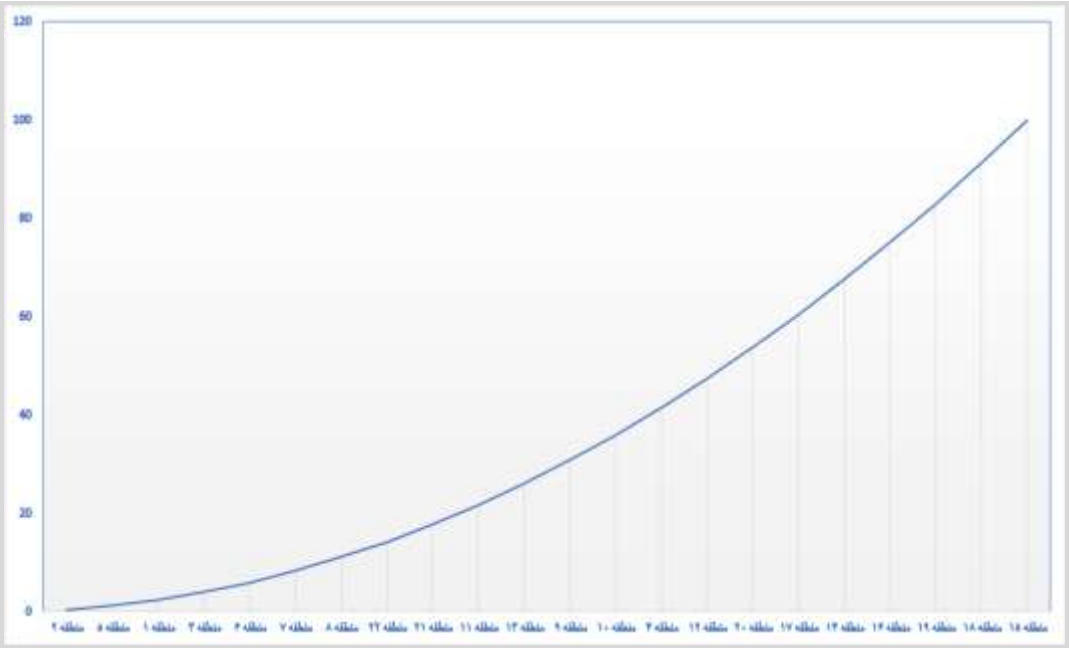

شکل (۵). رتبه تجمعی عدم انطباق فضایی گروه‌های عمده شغلی فرادست در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران

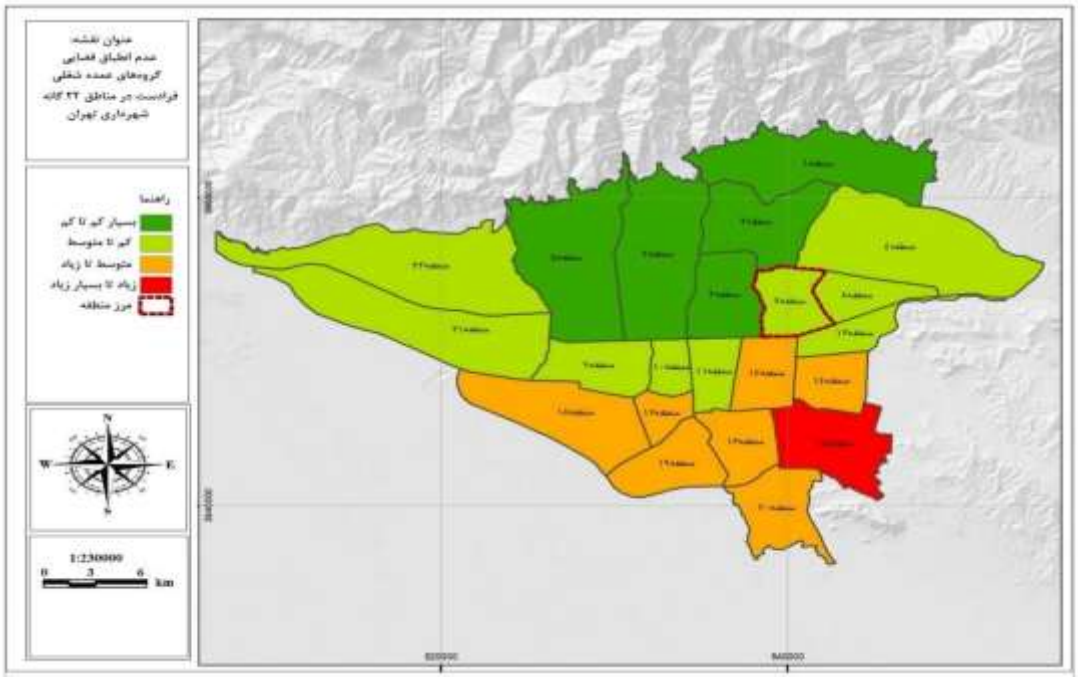

شکل (۶). عدم انطباق فضایی گروه‌های عمده شغلی فرادست در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران

عدم انطباق فضایی دسترسی به مسکن با زیربنای مناسب در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران

بررسی عدم انطباق فضایی در سطح مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران شامل مراحل زیر بوده است:

- دسته‌بندی آمار واحدهای بزرگ و واحدهای کوچک؛
- محاسبه نسبت تفاضل واحدهای نسبتاً بزرگ و بزرگ و واحدهای نسبتاً کوچک و کوچک (عدم انطباق فضایی)؛
- تهیه نقشه پراکندگی دسترسی خانوارها به مسکن با زیربنای مناسب و عدم انطباق فضایی در سطح مناطق.

جدول (۲) و شکل‌های (۷، ۸، ۹) نتایج بررسی عدم انطباق فضایی دسترسی خانوارها به مسکن با زیربنای مناسب در سطح مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران را نشان می‌دهند.

جدول (۲). نتایج محاسبه عدم انطباق فضایی دسترسی به مسکن با زیربنای مناسب در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران

ردیف	مناطق	جمع	واحدهای بزرگ		واحدهای کوچک		عدم انطباق	رتبه	درصد رتبه	درصد رتبه تجمعی
			تعداد	درصد	تعداد	درصد				
۱	منطقه ۲	۲۰۵۰۱۷	۱۱۰۷۵۰	۵۴,۰	۹۰۵۰۵	۴۴,۱	۰,۱۱۳	۱	۰,۴	۰,۴
۲	منطقه ۱	۱۴۰۷۹۳	۹۲۸۵۴	۶۶,۰	۴۵۷۰۰	۳۲,۵	۰,۱۱۱	۲	۰,۸	۱,۲
۳	منطقه ۳	۱۰۵۲۱۳	۶۹۶۳۰	۶۶,۲	۳۲۷۶۸	۳۱,۱	۰,۰۸۴	۳	۱,۲	۲,۴
۴	منطقه ۶	۷۲۵۰۳	۴۱۱۲۳	۵۶,۷	۲۹۸۰۸	۴۱,۱	۰,۰۴۴	۴	۱,۶	۴,۰
۵	منطقه ۵	۲۵۴۴۸۴	۸۶۷۰۶	۳۴,۱	۱۶۳۲۳۹	۶۴,۱	۰,۰۳۹	۵	۲,۰	۵,۹
۶	منطقه ۲۲	۳۷۶۸۱	۱۶۷۳۶	۴۴,۴	۲۰۳۹۳	۵۴,۱	۰,۰۱۳	۶	۲,۴	۸,۳
۷	منطقه ۴	۲۶۹۷۴۸	۷۴۰۱۰	۲۷,۴	۱۹۲۶۶۷	۷۱,۴	۰,۰۰۴	۷	۲,۸	۱۱,۱
۸	منطقه ۲۱	۵۰۱۰۵	۱۳۳۰۸	۲۶,۶	۳۶۳۰۹	۷۲,۵	۰,۰۰۰	۸	۳,۲	۱۴,۲
۹	منطقه ۷	۱۰۷۸۸۵	۲۴۳۱۵	۲۲,۵	۸۰۸۱۳	۷۴,۹	-۰,۰۰۸	۹	۳,۶	۱۷,۸
۱۰	منطقه ۱۲	۷۳۹۳۷	۱۵۰۰۱	۲۰,۳	۵۶۶۰۷	۷۶,۶	-۰,۰۰۹	۱۰	۴,۰	۲۱,۷
۱۱	منطقه ۱۳	۸۹۰۴۲	۱۶۴۸۱	۱۸,۵	۷۰۵۲۳	۷۹,۲	-۰,۰۱۴	۱۱	۴,۳	۲۶,۱
۱۲	منطقه ۹	۴۹۸۳۷	۵۵۲۱	۱۱,۱	۴۳۹۵۰	۸۸,۲	-۰,۰۱۶	۱۲	۴,۷	۳۰,۸
۱۳	منطقه ۸	۱۲۵۰۲۷	۲۳۰۸۱	۱۸,۵	۱۰۰۳۴۲	۸۰,۳	-۰,۰۲۱	۱۳	۵,۱	۳۶,۰
۱۴	منطقه ۱۹	۶۹۷۵۱	۶۲۴۴	۹,۰	۶۲۶۷۱	۸۹,۸	-۰,۰۲۵	۱۴	۵,۵	۴۱,۵
۱۵	منطقه ۱۱	۹۷۴۳۹	۱۳۶۰۵	۱۴,۰	۸۲۷۰۴	۸۴,۹	-۰,۰۲۵	۱۵	۵,۹	۴۷,۴
۱۶	منطقه ۱۷	۷۴۳۳۵	۵۷۷۳	۷,۸	۶۷۸۱۳	۹۱,۲	-۰,۰۲۸	۱۶	۶,۳	۵۳,۸
۱۷	منطقه ۲۰	۱۰۳۳۷۷	۱۲۲۵۰	۱۱,۸	۸۸۶۸۹	۸۵,۸	-۰,۰۳۰	۱۷	۶,۷	۶۰,۵
۱۸	منطقه ۱۶	۸۸۴۹۰	۸۲۸۸	۹,۴	۷۸۹۳۲	۸۹,۲	-۰,۰۳۱	۱۸	۷,۱	۶۷,۶
۱۹	منطقه ۱۴	۱۵۲۳۴۵	۲۱۸۴۹	۱۴,۳	۱۲۷۰۲۸	۸۳,۴	-۰,۰۳۷	۱۹	۷,۵	۷۵,۱
۲۰	منطقه ۱۰	۱۰۳۶۶۶	۵۹۰۲	۵,۷	۹۶۵۶۵	۹۳,۲	-۰,۰۴۴	۲۰	۷,۹	۸۳,۰
۲۱	منطقه ۱۸	۱۱۲۲۰۹	۷۰۰۰	۶,۲	۱۰۳۶۵۲	۹۲,۴	-۰,۰۴۶	۲۱	۸,۳	۹۱,۳
۲۲	منطقه ۱۵	۱۸۹۶۸۸	۱۱۹۸۴	۶,۳	۱۷۴۸۹۰	۹۲,۲	-۰,۰۷۷	۲۲	۸,۷	۱۰۰,۰

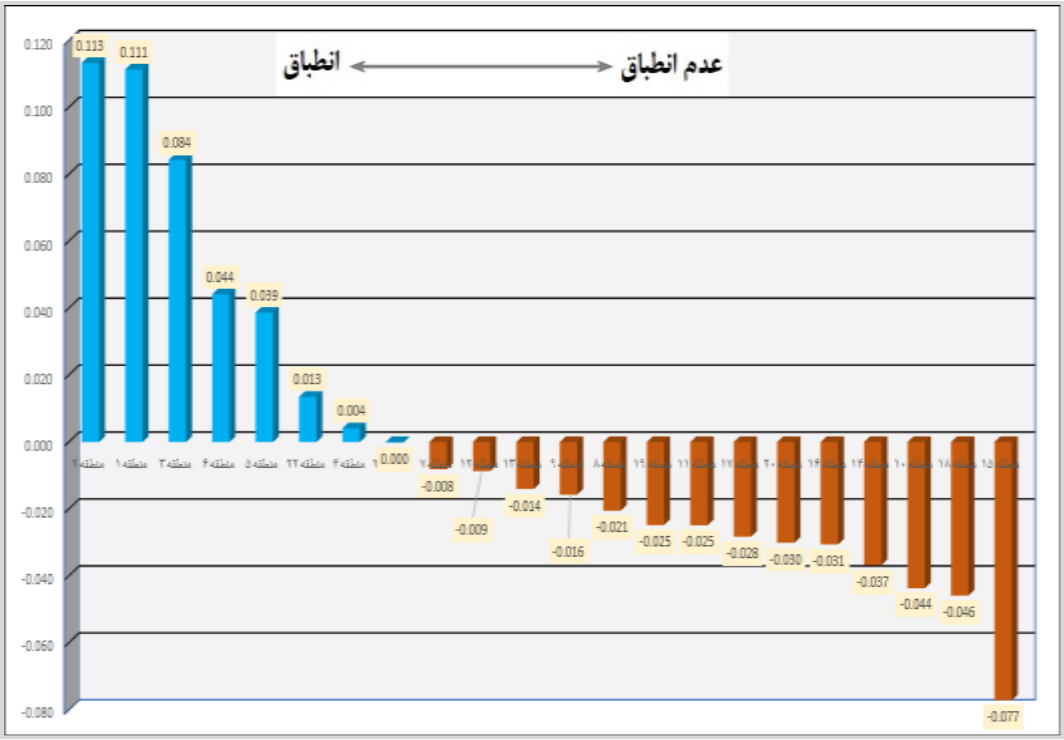

شکل (۷). عدم انطباق فضایی دسترسی به مسکن با زیربنای مناسب در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران

شکل (۸). درصد تجمعی رتبه عدم انطباق فضایی دسترسی به مسکن با زیربنای مناسب در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران

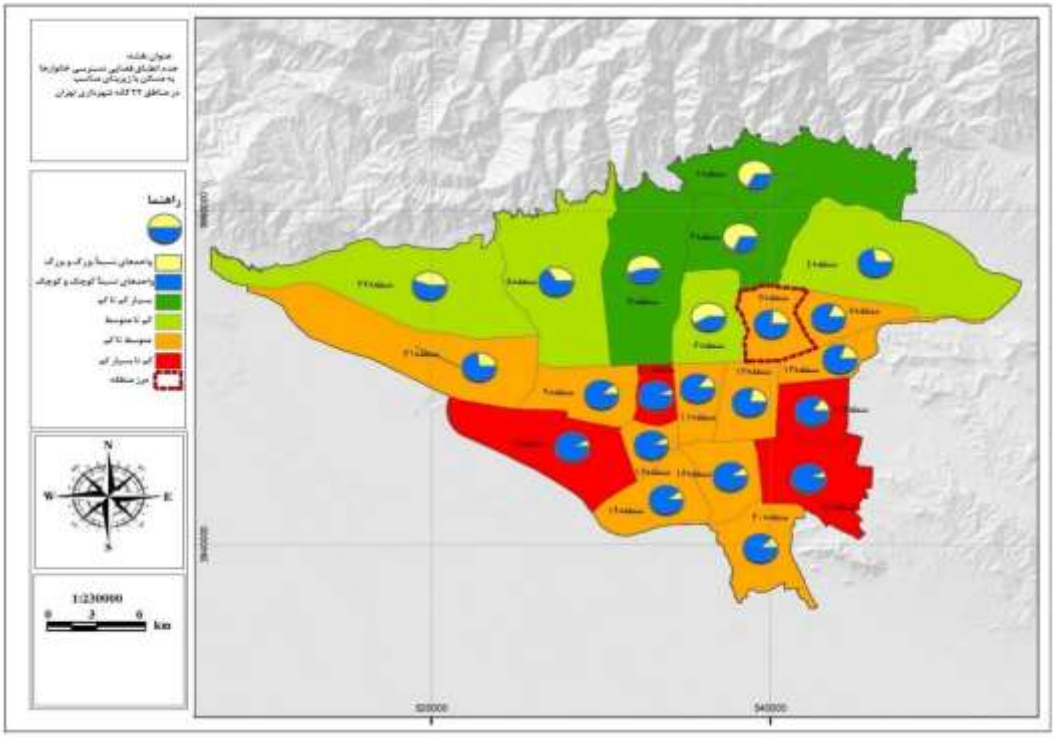

شکل (۹). عدم انطباق فضایی دسترسی خانوارها به مسکن با زیربنای مناسب در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران

عدم انطباق فضایی ترکیب شاخص‌های کار و سکونت در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران

بررسی عدم انطباق فضایی ترکیب شاخص‌های کار و سکونت در سطح مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران شامل مراحل زیر بوده است:

- **محاسبه عدم انطباق فضایی ترکیب شاخص‌های کار و سکونت در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران؛**
- **محاسبه نسبت تفاضل گروه‌های عمده شغلی و زیربنای مسکن (عدم انطباق فضایی)؛**
- **تهیه نقشه پراکندگی ترکیب شاخص‌های کار و سکونت در سطح مناطق.**

جدول (۳) و شکل‌های (۱۰، ۱۱، ۱۲) نتایج بررسی عدم انطباق فضایی ترکیب شاخص‌های کار و سکونت در سطح مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران را نشان می‌دهند.

جدول (۳). نتایج محاسبه عدم انطباق فضایی ترکیب شاخص‌های کار و سکونت در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران

ردیف	منطقه	عدم انطباق فضایی			رتبه	درصد رتبه	درصد رتبه تجمعی
		گروه‌های عمده شغلی	زیربنای مسکن	میانگین			
۱	منطقه ۲	۰,۰۹۲	۰,۱۱۳	۰,۱۰۲	۱	۰,۴	۰,۴
۲	منطقه ۱	۰,۰۶۳	۰,۱۱۱	۰,۰۸۷	۳	۱,۲	۱,۶
۳	منطقه ۳	۰,۰۵۱	۰,۰۸۴	۰,۰۶۸	۴	۱,۶	۳,۲
۴	منطقه ۵	۰,۰۸۶	۰,۰۳۹	۰,۰۶۲	۲	۰,۸	۴,۰
۵	منطقه ۶	۰,۰۳۹	۰,۰۴۴	۰,۰۴۲	۵	۲,۰	۵,۹
۶	منطقه ۲۲	۰,۰۰۲	۰,۰۱۳	۰,۰۰۸	۸	۳,۲	۹,۱
۷	منطقه ۷	۰,۰۱۷	−۰,۰۰۸	۰,۰۰۵	۶	۲,۴	۱۱,۵
۸	منطقه ۲۱	−۰,۰۰۲	۰,۰۰۰	−۰,۰۰۱	۹	۳,۶	۱۵,۰
۹	منطقه ۴	−۰,۰۱۳	۰,۰۰۴	−۰,۰۰۵	۱۴	۵,۵	۲۰,۶
۱۰	منطقه ۸	۰,۰۰۵	−۰,۰۲۱	−۰,۰۰۸	۷	۲,۸	۲۳,۳
۱۱	منطقه ۱۳	−۰,۰۰۴	−۰,۰۱۴	−۰,۰۰۹	۱۱	۴,۳	۲۷,۷
۱۲	منطقه ۹	−۰,۰۰۷	−۰,۰۱۶	−۰,۰۱۱	۱۲	۴,۷	۳۲,۴
۱۳	منطقه ۱۱	−۰,۰۰۲	−۰,۰۲۵	−۰,۰۱۴	۱۰	۴,۰	۳۶,۴
۱۴	منطقه ۱۲	−۰,۰۱۹	−۰,۰۰۹	−۰,۰۱۴	۱۵	۵,۹	۴۲,۳
۱۵	منطقه ۱۰	−۰,۰۰۷	−۰,۰۴۴	−۰,۰۲۵	۱۳	۵,۱	۴۷,۴
۱۶	منطقه ۲۰	−۰,۰۲۸	−۰,۰۳۰	−۰,۰۲۹	۱۶	۶,۳	۵۳,۸
۱۷	منطقه ۱۷	−۰,۰۳۱	−۰,۰۲۸	−۰,۰۲۹	۱۷	۶,۷	۶۰,۵
۱۸	منطقه ۱۹	−۰,۰۳۴	−۰,۰۲۵	−۰,۰۳۰	۲۰	۷,۹	۶۸,۴
۱۹	منطقه ۱۶	−۰,۰۳۳	−۰,۰۳۱	−۰,۰۳۲	۱۹	۷,۵	۷۵,۹
۲۰	منطقه ۱۴	−۰,۰۳۱	−۰,۰۳۷	−۰,۰۳۴	۱۸	۷,۱	۸۳,۰
۲۱	منطقه ۱۸	−۰,۰۵۳	−۰,۰۴۶	−۰,۰۴۹	۲۱	۸,۳	۹۱,۳
۲۲	منطقه ۱۵	−۰,۰۸۹	−۰,۰۷۷	−۰,۰۸۳	۲۲	۸,۷	۱۰۰

شکل (۱۰). عدم انطباق فضایی ترکیب شاخص‌های کار و سکونت در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران

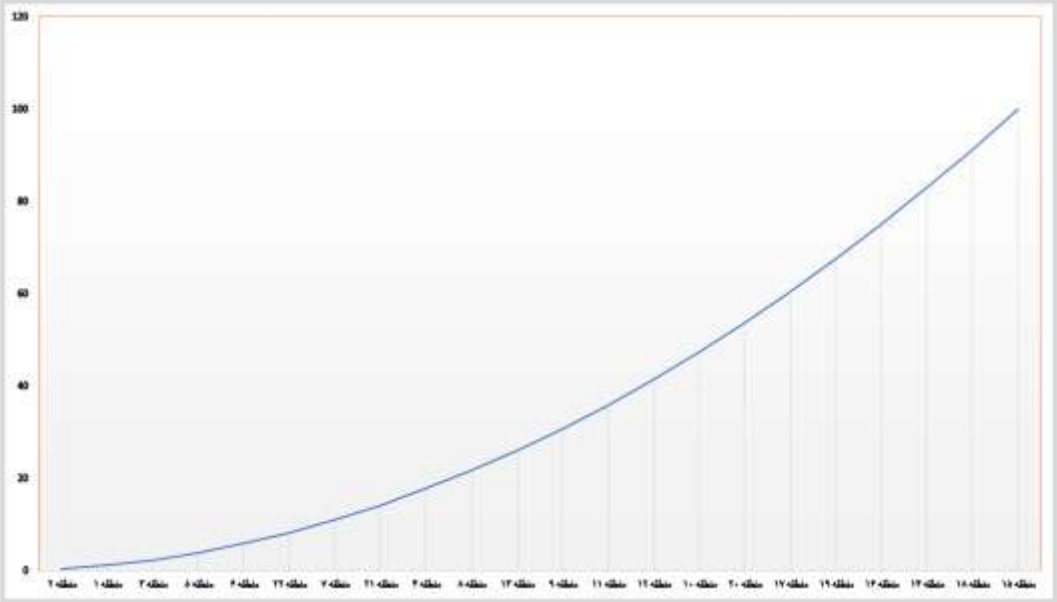

شکل (۱۱). درصد تجمعی رتبه عدم انطباق فضایی ترکیب شاخص‌های کار و سکونت در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران

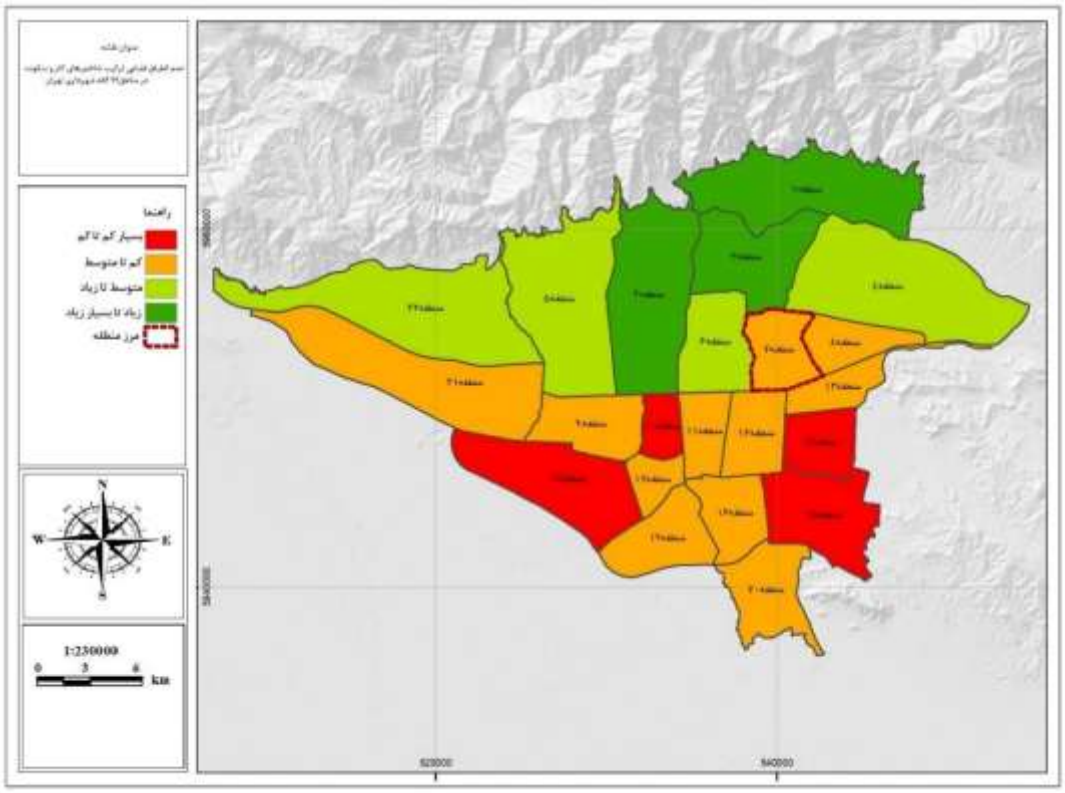

شکل (۱۲). عدم انطباق فضایی ترکیب شاخص‌های کار و سکونت در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران

نتایج محاسبه عدم انطباق فضایی گروه‌های عمده شغلی فرادست، متوسط و فرودست در مناطق ۲۲گانه شهرداری تهران نشان داد مناطق (۲، ۵، ۱، ۳، ۶، ۷، ۸، ۲۲) دارای انطباق فضایی و سایر مناطق (۲۱، ۱۱، ۱۳، ۹، ۱۰، ۴، ۱۲، ۲۰، ۱۷، ۱۴، ۱۶، ۱۹، ۱۸، ۱۵) دارای عدم انطباق فضایی هستند. در پراکنش فضایی گروه‌های عمده شغلی فرادست در مناطق شهر تهران مناطق (۱، ۲، ۳، ۵، ۶) دارای عدم انطباق فضایی بسیار کم و کم هستند؛ مناطق (۴، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۲۱، ۲۲) دارای عدم انطباق فضایی کم تا متوسط هستند؛ مناطق (۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰) دارای عدم انطباق فضایی متوسط تا زیاد و تنها منطقه ۱۵ دارای بیشترین عدم انطباق فضایی است. نتایج تحلیل عدم انطباق فضایی این مؤلفه در سطح مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران و بررسی نمودار درصد تجمعی رتبه عدم انطباق فضایی اقشار و گروه‌های فرادست و فرودست، بیانگر آن است که شاخص عدم انطباق فضایی از ۲۲ منطقه تهران تنها در ۸ منطقه این شاخص مثبت است که در دو منطقه ۸ و ۲۲ این مقدار بسیار کم است. همچنین نتایج محاسبه عدم انطباق فضایی دسترسی به مسکن با زیربنای مناسب در مناطق شهر تهران مناطق (۲، ۱، ۳، ۶، ۵، ۲۲، ۴) دارای بیشترین انطباق فضایی دسترسی به مسکن با زیربنای مناسب هستند. در پراکنش فضایی دسترسی به مسکن با زیربنای مناسب واحدهای نسبتاً بزرگ و بزرگ در مناطق (۱، ۲، ۳) زیاد و نسبتاً زیاد؛ واحدهای نسبتاً بزرگ و بزرگ در مناطق (۴، ۵، ۶، ۲۲) کم تا متوسط؛ این واحدها در مناطق (۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰،

۲۱) متوسط تا کم و در مناطق (۱۴، ۱۵،۱۰، ۱۸) کم تا بسیار کم هستند. بر این اساس ارزش‌های منفی که بیانگر عدم انطباق فضایی هستند، جاهایی را توصیف می‌کنند که واحدهای کوچک و نسبتاً کوچک در آنجا تراکم یافته‌اند. نتایج انجام این تحلیل نیز در سطح مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران گویای آن است که مناطق ۱ و ۲ شهرداری تهران بیشترین تناسب را دارند؛ این بدان معناست که دسترسی خانوارها به مسکن با زیربنای مناسب از بقیه مناطق تهران بهتر است. این در حالی است که منطقه ۱۵ و ۱۸ دارای عدم انطباق فضایی بیشتری در شاخص دسترسی به واحد مسکونی با زیربنای مناسب هستند. به‌علاوه بر اساس نتایج محاسبه عدم انطباق فضایی ترکیب شاخص‌های کار و سکونت در مناطق شهر تهران بیشترین انطباق را مناطق (۱،۲، ۳، ۵، ۶، ۲۲، ۷) دارا هستند، سایر مناطق به ترتیب (۴، ۸، ۱۳، ۹، ۲۱، ۱۱، ۱۲، ۱۰، ۲۰، ۱۷، ۱۹، ۱۶، ۱۴، ۱۸، ۱۵) دارای عدم انطباق فضایی بیشتری هستند. در پراکنش فضایی عدم انطباق فضایی ترکیب شاخص‌های کار و سکونت در مناطق شهر تهران مناطق (۱، ۲، ۳) دارای بیشترین انطباق فضایی و مناطق (۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۸) دارای بیشترین عدم انطباق فضایی هستند.

نتیجه‌گیری

عدم انطباق فضایی کار و مسکن در محله‌های فقیرنشین را نیز می‌توان به‌مثابه نوعی دوگانگی و شکاف گسلی در ساختار شهرها به‌ویژه در شهرهای کشورهای درحال‌توسعه، موردتوجه قرار داد. به‌طور مشخص سنجش و اندازه‌گیری عدم انطباق فضایی با استفاده از داده‌های آماری دو مؤلفه زیر مورد استفاده قرار گرفته است:

- «گروه‌های عمده شغلی»؛
- «زیربنای واحد مسکونی».

بررسی پراکنش فضایی گروه‌های مذکور، نشان می‌دهد اقشار و گروه‌های فرادست و گروه‌های فرودست دارای پراکنش ناموزون هستند؛ این بدان معناست که می‌توانند در تحلیل عدم انطباق فضایی کار و سکونت مورداستفاده قرار گیرند. نتایج تحلیل عدم انطباق فضایی این مؤلفه در سطح مناطق ۲۲گانه شهرداری تهران و بررسی نمودار درصد تجمعی رتبه عدم انطباق فضایی اقشار و گروه‌های فرادست و فرودست، بیانگر آن است که شاخص عدم انطباق فضایی از ۲۲ منطقه تهران تنها در ۸ منطقه این شاخص مثبت است که در دو منطقه ۸ و ۲۲ این مقدار بسیار کم است. تحلیل یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین قشربندی شغلی و کیفیت سکونت در مناطق ۲۲گانه شهرداری تهران رابطه مستقیمی وجود دارد. به‌نحوی‌که کانون‌های تراکم اقشار فرودست و کارگری که از مشاغل با مزایای مناسبی محروم‌اند در گستره‌های مسکونی باکیفیت نامناسب و بافت‌های فرسوده شکل گرفته‌اند. بر این اساس در مناطق جنوبی تهران، عدم تناسب بیشتری بین دستیابی به کار مناسب و دسترسی به مسکن باکیفیت مشاهده می‌شود. درحالی‌که در مناطق شمالی تهران دستیابی به کار مناسب و دسترسی به مسکن باکیفیت تناسب بسیار بیشتری وجود دارد. بر اساس یافته‌های تحقیق، بسط روابط سرمایه‌داری به‌مثابه زمینهٔ فراگیر و عالم‌گیر عدم انطباق فضایی مؤید نظر هاروی (۱۳۹۴، ۱۳۹۲، ۱۳۹۰، ۱۳۸۶) در خصوص نقش بنیادین فرایندهای برآمده از رژیم‌های فوردی-کینزی و پسافوردیستی، در دگرگونی شرایط و روابط کار و تغییر جهت گردش اولیهٔ سرمایه (سرمایه‌گذاری در نظام تولید) به گردش ثانویهٔ سرمایه (سرمایه‌گذاری در ساخت‌وساز) است؛ به‌علاوه بازنمایی عدم انطباق فضایی در عینی‌ترین سطح (تراکم جمعیت‌های فاقد کار مناسب در محله‌های باکیفیت محیطی نامطلوب) در شهرهای آمریکایی و جهان درحال‌توسعه، کم‌وبیش یکسان بوده است؛ اما برعکس تأثیرپذیری فرایندهای نابرابری‌ساز در شهرهای آمریکایی از مختصات نژادی-قومی، بخش عمده‌ای از نابرابری‌ها

در کشورهای درحال‌توسعه متأثر از فرایندهای «نوسازی و اجرای برنامهٔ تعدیل ساختاری، تله‌های توسعه و فساد و مدارهای توسعه‌نیافتگی» است.

بررسی انجام‌شده در خصوص ایران مؤید دیدگاه کالیر (۲۰۰۷)، گیدنز (۱۳۹۱) و عظیمی آرانی (۱۳۷۰) درخصوص گرفتاری در تله‌های توسعه، فساد و مدارهای توسعه‌نیافتگی است. این تحلیل نقش هم‌افزا و تکاثری فرایندهای ناشی از تله‌های توسعه و فساد (بی‌ثباتی‌های پیاپی سیاسی، گرفتاری در مسائل منطقه‌ای و همسایگان، خام‌فروشی، حکمروایی نامطلوب، فساد گسترده) و گرفتاری در مدارهای اولیه (ساختار ناسالم تولید و خدماتی شدن شدید اقتصاد) مدارهای ثانویه (نابرابری اجتماعی، شکاف طبقاتی و فقر) در تولید و بازتولید عدم انطباق فضایی را برجسته می‌سازد. بررسی نتایج تحقیق در ارتباط با پیشینه نظری، نشان می‌دهد که دو عنصر «کار و سکونت»، اساس سیستم معیشتی خانوارها را تشکیل داده و نبود تناسب بین دستیابی به شغل با مزایای مناسب و دسترسی به مسکن باکیفیت می‌تواند منجر به شکل‌گیری گستره‌های عدم انطباق فضایی کار سکونت و تله‌های فضایی فقر شود. ازاین‌رو مادام که تناسب بین دستیابی به مزایای شغلی و دسترسی به مسکن باکیفیت موردتوجه قرار گرفته نشود، کانون‌ها و تله‌های فضایی فقر مانند کانون‌های اسکان غیررسمی و بافت‌های فرسوده شهری که به‌نوعی مأمن اقشار فرودست و کارگری هستند، به حیات خود ادامه داده و بازتولید خواهند شد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در سیاست‌های توسعه اقتصادی و بازآفرینی بافت‌های مسئله‌دار و فرسوده شهری، تناسب بین دستیابی به مزایای شغلی و دسترسی به مسکن باکیفیت و قابل استطاعت لحاظ شود.

منابع

اطهاری، کمال.(۱۳۹۵). گزارش مدیریتی گونه‌بندی و اولویت‌بندی محلات نیازمند بازآفرینی و بازنمایی محلات غیررسمی در شهر تهران، وزارت راه و شهرسازی، شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران، دفتر دبیرخانه ستاد ملی بازآفرینی شهری.

تیموری، سمیه.(۱۳۹۹).تبیین عدم انطباق فضایی کار و سکونت در منطقه هفت تهران، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، به راهنمایی دکتر تاج‌الدین کرمی، دانشگاه خوارزمی، دانشکده علوم جغرافیایی.

کرمی، تاج‌الدین، سلیمانی، محمد، پریزادی، طاهر، تیموری، سمیه.(۱۴۰۰).تبیین مفهومیِ زمینه‌های عدم انطباق فضایی کار و سکونت در فضاهای شهری با تأکید بر ایران، فصلنامه جغرافیا و توسعه، دوره ۱۹(۶۳):۱-۳۸.

حجتی، وحید، مضطرزاده، حامد.(۱۳۸۷).مفهوم عدالت و رابطه آن با شهر، فصلنامه جستارهای شهرسازی، سال هفتم، شماره ۲۴ و ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۸۷:۴۰-۴۷.

رهنمایی، محمدتقی، پوراحمد، احمد، حاتمی نژاد، حسین، منوچهری میاندوآب، ایوب.(۱۳۹۵). تحلیلی بر نابرابری‌های فضایی شهر تهران و پیش‌بینی اولویت برنامه‌ریزی، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای، شماره ۲۰، پاییز ۱۳۹۵:۳۵-۵۶.

رئیس دانا، فریبرز.(۱۳۸۱).اقتصاد سیاسی توسعه، تهران، انتشارات نگاه.

سعیدنیا، احمد.(۱۳۷۵). ساختار ناسازگار تهران، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۳۶ و ۳۷، مهر، آبان، آذر و دی:۴۰-۴۲.

گیدنز، آنتونی.(۱۳۸۴). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، انتشارات نی، تهران، چاپ چهاردهم.

مرکز آمار ایران.(۱۳۹۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن.

نظریان، اصغر.(۱۳۸۸).پویایی نظام شهری ایران، انتشارات مبتکران.

نهاد مطالعات و تهیه طرح‌های توسعه شهری.(۱۳۸۶).سند اصلی طرح راهبردی- ساختاری توسعه و عمران شهر تهران (طرح جامع تهران)، تهران.

Barufi, Ana Maria Bonomi, Haddad, Eduardo Amaral. (2017). **Spatial Mismatch, Wages and Unemployment in Metro-Politan areas in Brazil,** Journal Region, Volume 4, Number 3:175e200.

Bird, K. (2019). **Addressing Spatial Poverty Traps**, CPAN is hosted at the Overseas Development Institute, London.

Bollens, S. (2001).**City and Soul: Sarajevo, Johannesburg, Jerusalem, Nicosia**, City, 5 (2):169e187.

Cooke, T. J & Shumway, J. M.(1991).**Developing the Spatial Mismatch hypothesis: problems of accessibility to Employment for low-wage central City Labor**, Urban Geography, 12(4):310e323.

Ellwood, D.(1986). **The Spatial Mismatch hypothesis: are there teenage jobs missing in the ghetto? In R. B. Freeman, & H. J. Holzer (Eds.), the black youth employment crisis Chicago:** University of Chicago Press.

Gobillon, L. Selod, H. & Zenou, Y. (2003). **Spatial Mismatch: From the hypothesis to the theories**, IZA Discussion Papers 693, Institute for the Study of Labor (IZA).

Gobillon, L, Selod, H & Zenou, Y. (2007). **The Mechanisms of Spatial Mismatch**, Journal of Urban Studies, 44(12):2401e2427.

Gobillon, L. & Selod, H. (2014).**Spatial Mismatch, Poverty, and Vulnerable Populations**, Handbook of regional science.

Horner, M. W & Mefford, J. N. (2007). **Investigating Urban Spatial Mismatch using Job e Housing indicators to model home-work Separation**, Environment and Planning A, 39:1420e1440.

Houston, D.S.(2005a). **Methods to test the Spatial Mismatch hypothesis**, Economic Geography 81:407e434.

Ihlanfeldt, K. R. (1993).**Intra-Urban Job Accessibility and Hispanic youth Employment Rates**, Journal of Urban Economics, 33:254e271.

Kain, J. F.(1992).**The Spatial Mismatch hypothesis, three decades later**, Housing Policy Debate,3:371e460.

Kain, J. F. (2004). **A pioneer's perspective on the Spatial Mismatch Literature**, Urban studies, 41(1):7e32.

Khan, A. R & Riskin, C. (2001). **Inequality and Poverty in China in the age of Globalization, New York**: Oxford University Press.

Kilroy, A. (2009).**Intra-Urban Spatial Inequality: Cities as Urban Regions**, Word Development Report, Reshaping Economic Geography, 16th December 2007.

Leonard, J. S. (1987). **The Interaction of Residential Segregation and Employment Discrimination**, Journal of Urban Economics, 21(3):323e346.

Lorilla, R. S. Kalogirou, S. Poirazidis, K and Kefalas, G.(2019).**Identifying Spatial Mismatches between the Supply and Demand of Ecosystem Services to Achieve a Sustainable Management Regime in the Ionian Islands (Western Greece)**, Land Use Policy, 88:104171.

Li, H. Campbell, H and Fernandez, S.(2013).**Residential Segregation, Spatial Mismatch and Economic growth across US Metropolitan areas**, Urban Studies, 50(13):2642e2660.

Ming, Lu.(2019). **Besetting Sin of Chines Economy: Spatial Mismatch**, Journal of Shenzhen University (Humanities & Social Sciences), Vol, 36, Issue (1):77e85.

Raphael, S and Stoll, M. (2001).**Can boosting Minority car-ownership rates narrow inter-racial employment gaps? Brookings-Wharton Papers on Urban Economics Affairs**, 2: 99e145.

Ruef, Martin & Grigoryeva, Angelina.(2015).**Jim Crow and the Spatial Mismatch Hypothesis, Department of Sociology**, Duke University, Durham, NC:27708e0088.

Schirpke, U. Egarter Vigl, L. Tasser, E and Tappeiner, U.(2019).**Analyzing Spatial Congruencies and Mismatches between Supply, Demand and Flow of Ecosystem Services and Sustainable Development**, Sustainability, 11(8):2227.

Squires, G.D, Kubrin, C.E.(2005).**Privileged places: race, Uneven Development and the geography of opportunity in urban America**, Journal of Urban Studies 42 (1):47e68.

Theys, Tobias, Deschacht Nick, Adriaenssens Stef, Verhaest Dieter.(2018). **The Evolution of iInter-Regional Spatial Mismatch in the USA: The Role of Skills and Spatial Structure**, Journal Urban Studies Limited, 2018:1e16.

Webster, M. (2008).**Merriam-Webster's Advanced Learner's English Dictionary** ,Springfield: Merriam-Webster Inc.

Zang, Z. Deng, S. Ren, G. Zhao, Z. Li, J. Xie, Z and Shen, G.(2020).**Climate-induced Spatial Mismatch may intensify giant panda habitat loss and fragmentation**, Biological Conservation, 241:108392:1e11.

Zhou, S. Wu, Z & Cheng, L. (2013). **The Impact of Spatial Mismatch on Residents in Low-Income Housing Neighborhoods: A study of the Guangzhou Metropolis**, China. Urban Studies, 50(9):1817e1835.

Zhou. Suhong, Liu. Yang, Kwan. Mei-Po.(2016). **Spatial Mismatch in Post-Reform Urban China: A Case Study of a Relocated state-owned enterprise in Guangzhou**, Journal Habitat International, 58:1e11.

Analysis of Spatial Mismatch of Job and Residence in22 Regions of Tehran Municipality

Tajeddin Karami: Assistant Professor, Geography and Urban Planning, Faculty of Geographical Sciences, University of Kharazmi, Tehran, Iran
Email: karamit@khu.ac.ir
Somayeh Teymouri: PhD, Geography and Urban Planning, Faculty of Geographical Sciences, University of Kharazmi, Tehran, Iran
Email: std_teymori1395@khu.ac.ir

Abstract

One of the theories that studied poverty and inequality after World War II and urban reconstruction in America in the duality of the suburbs and the central city is the theory of Spatial Mismatch. Despite the role of the background caused by racial-ethnic inequality and the contrast between the suburbs and the central city in the formation of the aforementioned theory, the main indicators of Spatial Mismatch indicate the lack of appropriateness between obtaining a job with sufficient benefits to access affordable and quality housing. This means that the backgrounds, structures and processes of inequality are different from one society to another and the lack of proportionality between the benefits of work and access to housing represents the spaces of poverty. The aim of the current research is to reveal the Spatial Mismatch between the two mentioned indicators in the Metropolitan areas of Tehran. The current research is applied research in terms of its purpose and descriptive-analytical in terms of its method. The main data required include major occupational groups and housing status in official population and housing censuses, which have been analyzed using Spatial Functions. The analysis of the research findings shows that there is a direct relationship between occupational stratification and the quality of residence in Tehran's municipal areas. In such a way that the concentration centers of the lower classes and workers who are deprived of jobs with suitable benefits have been formed in residential areas with poor quality and worn-out textures. Based on this, in the southern regions of Tehran, there is a greater disproportion between getting a suitable job and access to quality housing. While in the northern areas of Tehran, there is much more suitable work and access to quality housing. The final result shows that the two main indicators investigated well reveal and represent the «Spatial Traps of Poverty» which are the main focus of Socio-Spatial Issues in Inner City Areas.

Keywords: Spatial Traps of Poverty, Spatial Mismatch, Work and Residence Spatial Mismatch, Occupational Stratification and Tehran.